



از صبا تا نیما

(تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)

تألیف یحیی آرزیبیور

۹۶۴ صفحه - در دو مجلد

ناشر: شرکت سهامی کتابهای جیبی

عصر قاجاریان در تاریخ ادبیات ایران دارای مقامی ممتاز است. مطالعه این دوره ادبی برای نسل امروز ضرورت قطعی دارد و اگر این کار به روشی درست انجام گیرد و از آن درست نتیجه گیری شود، راه آینده هموارتر و چشم اندازها نمایانتر خواهد شد.

متأسفانه ادب فارسی در این دوره یکصد و پنجاه ساله، با چنین هدف و روشی بررسی نشده بود، اما اینک کتاب «از صبا تا نیما» تألیف آقای یحیی آرزیبیور را،

می توان گفت که ثمره نخستین کوشش جدی در این راه است.

«از صبا تا نیما» فراورده شش سال جستجوی مشتاقانه است؛ و چون مؤلف خود در برخی از جریانهای عمده ادبی این دوره دست اندرکار داشته، نوشته هایش زنده و گویا و داوریهایش مستقیم و صریح است و اثرش خواننده را در جو ادبی زمان قرار می دهد.

مقدمه کتاب از افول سبک هندی سخن می گوید که بر اثر آن ادب فارسی می بایست برای پیداکردن راه پیشرفت خود بديك رشته کارهای اکتشافی بپردازد.

می دانیم که در آستانه بنیادگیری قاجاریان، حوادث بزرگی در جهان روی داده بود، انقلاب کبیر فرانسه، چندسال پس از درگذشت کریمخان زند و در آغاز کار آغا محمد خان قاجار مبنای نهادهای سیاسی و اجتماعی اروپا را لرزانده بود و شروع عصر انقلاب بورژوازی را خبر داده بود.

ادامه شیوه های پرتکلف قدیم در چنین شرایطی بی وجه و بی محل بود. ادب فارسی برای آنکه با جریانات تاریخی همپا شود و بتواند نقش و رسالت خود را در منعکس ساختن روح زمانه و گرداندن گردونه ترقی ایفا کند، ناگزیر می بایستی به سراغ راههای درست تازه ای برود، و کوشش در این راه به صورت کاوش در گنجینه

ادبی سده های پیشین آغاز شد. شرایط برای چنین مهمی که به فراغت و حوصله و مجال نیاز داشت، آماده بود؛ زیرا بنیادگذار سلسله قاجار توانسته بود ناسامانی های موروثی را به سامان آورد و سراسر خاک کشور را در سایه لوای حکومت واحدی امن و وثبات بخشد.

بدین سان، شهر اصفهان، دور از غوغای سیاست، به کانون جنبش نو، که بعدها به نهضت بازگشت ادبی نامزد گردید، تبدیل شد. مشتاق اصفهانی در ایجاد این نهضت پیشگام شد و دیگر شاعران را به تتبع سبک سخن استادان دیرین رهبری کرد؛ و به زودی «در پیرامون او منظومه های از گویندگان جوان» فراهم آمد. مشاهیر شعرای دربار فتحعلی شاه، برادرزاده آغا محمد خان و وارث تاج و تخت او، بیشتر از دست پروردگان و شاگردان این جمع بودند.

فتحعلی شاه، هر چند «از دنیا بیخبر و مردی خوشگذران» بود، از تاریخ ایران آگاهی داشت، «شاهنامه می خوانده و غزل می سرود» از این رو، عجیب نیست اگر حمایت از شاعران و ادیبان در دربار او رسم شد، به ویژه که صاحب فضل و کمالی چون قائم مقام فراهانی، وزیرش بود (وزیر نایب السلطنه و ولیعهد ایران با لقب سیدالوزراء)

و نویسنده‌گان و گویندگان را تشویق می‌کرد.

در این محیط، کسانی چون صبا، نشاط و مجمر درخشیدند. اما بازگشت به شیوه سخن‌گذشتگان، بازگشتی بی‌قید و شرط و به‌گفته نیما «از روی عجز» بود. صبا از فردوسی الهام می‌گرفت، سروش و مجمر از فرخی و معزی، و نشاط از حافظ. نهضت بازگشت «کودتایی بود برای ساقط کردن سلطنت انحصاری دودمان سبک‌هندی» و در جهان سازندگی، به قول اخوان ثالث، چیزی جز یک مشت شاعران دروغین پدید نیاورد.

اما بازگشت ادبی در کلام منثور دیرتر و بس کند و تدریجی روی نمود. مشایخ و نثرنویسان، بی‌آنکه خود در صدد ترویج شیوه کهن باشند تا حدی بدان وابستگی داشتند و این وضع با وجود نوآوری‌های سخندانانی چون میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام تا واسط سلطنت ناصرالدین شاه ادامه داشت. با این همه نثر فارسی، هر چند با تائی و احتیاط، به سادگی و روانی و پختگی گرایید و از تکلف و تصنع دوری جست.

«شعر درباری . . . در دوره جانشینان فتحعلی شاه همچنان پیشرفت داشت و گویندگان بسیاری دنباله کار را با همان سبک و اسلوب تانیمه‌های روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه گرفتند . . . و تنها

از نیمه‌های قرن سیزدهم بود که مختصر تحولی در ساختمان شعر فارسی به‌ظهور پیوست.»

در این میان چهرهٔ یغما در نظم و نثر ممتاز است. این امتیاز، هم در غزل او به چشم می‌خورد هم در هزلیات و مرثیاتی او و هم در «پارسی‌نگاری» و سره‌نویسی او. نفرت یغما از فساد و آلودگی محیط در اشعار او منعکس است و گرایش او به اندیشه‌های عرفانی نیز نشانی از یأس و بدبینی اوست. «وی نسبت به زمان خود مرد روشنفکری است. مانند قآنی در محیط خود خفه نشده و تماشاگر مطیع و منقاد حوادث نیست، با کمال خشونت و سرسختی به اعتراض برمی‌خیزد و آنچه را زشت و پلید و ناپسند می‌یابد، به یاد فحش و ناسزا می‌گیرد.» بدین‌سان «یغما پیشاهنگی گویندگان طنزهای سیاسی آینده است.»

در بارهٔ قآنی تنها می‌توان گفت که از نظر تسلط بر سنت ادبی و داشتن قریحهٔ توانا و روانی و شیرینی بیان، شاخص شده و «خواب فراموش‌شدهٔ هفتصدساله را گویی بیدار آورده است.»



دوران سلطنت ناصرالدین شاه مصادف بود با تحولات و انقلابات عظیم در اروپا. ایران از تأثیر این انقلابات برکنار نماند. جنبش

انقلابی در ایران ابتدا رنگ اصلاح مذهبی به خود گرفت و این رفورم در نخستین مرحله، زمینه‌ای مسلکی برای جنبشهای ده‌تانی شد و سرانجام به دست میرزا تقی خان امیرکبیر در هم شکست. اقدامات عباس میرزا و تأسیس دارالفنون به همت امیر-کبیر در واقع کوششی بود برای اصلاحات و فرونشاندن آتش انقلاب. اما تدابیر آگاهانهٔ امیرکبیر خوشایند کهنه‌پرستان نبود و همین امر موجب شد که قهرمان اصلاحات پیش‌از اجرای نیات ترقی‌خواهانهٔ خود از میان برداشته شود.

در این احوال، تبلیغات دامنه‌دار سید جمال‌الدین اسدآبادی بر ضد استبداد و استعمار و همچنین مقالات روشن‌بینانهٔ میرزا ملکم‌خان در روزنامهٔ قانون، به بیداری ملت ایران و ایجاد قشر جدیدی از روشنفکران و روحانیان مترقی کمک کرد و مطبوعات آزادبخواه در تهران و شهرستانها، وارد میدان سیاست شدند. در حقیقت با ورود چاپخانه‌ها و ایجاد مدارس، قدرت تبلیغی بیدارکنندهٔ مشروطه خواهان یکباره صد چندان شد و حمایت دستگاه روحانیت کفه را به سوی آزادی سنگین کرد.

تحولی که قائم‌مقام و پیروان او در نثر فارسی پدید آورده بودند، هر چند گرایش به سادگی و بی‌بیرایگی و ایجاز داشت، باز بر همان پایهٔ شیوهٔ کهن نهاده شده

بود و برای بیان اندیشه‌های تازه و منعکس ساختن شور انقلابی کافی نبود. فرهنگ و افکار تازه (مشروطه‌خواهی)، فن تازه (چاپ)، خوانندگان تازه (مردم کوجه و بازار)، ناگزیر زبانی تازه می‌طلبید و این زبان باروزنامه‌نویسی، طنزنویسی، داستان‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و تصنیف‌سازی، که برای مردم مطبوع تراست به‌وجود آمد. فرهنگ مردم که از ساحت ادب ایران دور مانده بود به‌حریم آن راه یافت و آنرا رنگ و جلوه و جانی تازه بخشید.

ادب این دوره بشارت‌دهنده انقلاب شد. شعر مطبوعاتی مظهر شکل تازه‌ای گردید که چه از نظر ترکیب و چه از لحاظ وزن بیشتر باب طبع عامه بود. برای بیان نابسامانیهای اجتماعی، طنزنویسی رواج گرفت و باقبال عامه روبرو شد. و در این نوع نمونه‌هایی عالی مانند «چرند و پرند» دهخدا و اشعار سید اشرف‌الدین قزوینی پدید آمد.

لیکن اشعار مطبوعاتی با همه ارزش و اهمیتی که در بیداری ملت ایران داشت، نمی‌توانست جای شعر رسمی را پر کند. هنوز دوران مبارزات داغ سیاسی سپری نشده و افکار ازغلیان نیفتاده بود که گویندگان ضرورت جستجوی راه تازه‌ای را احساس کردند. لیکن مخالفت داوران سرشناس

ادب با هرگونه ابداع و تخلف از سنن شعر قدیم چندان شدید بود که نمی‌گذاشت اندیشه شکستن دیواره‌های قالب کلام منظوم جوانه زند. بدین‌سان، مضمونهای تازه سیاسی و اجتماعی در همان قالب قصیده و غزل ریخته شد و در بیان، عموماً همان تشبیهات و استعارات و رمزهای سنتی به‌کار رفت و همین کوشش به‌طفیل مرمت‌کاریهای ساده و مختصری چند، از روی غفلت یا از سر خود فریبی، تجدد نامیده شد. . . . سنت هزارساله شعر پارسی بر اذهان سنگینی می‌کرد و نمی‌گذاشت شاعر از زیر بار فشار مستبدانه آن آزاد شود.

در تصنیف‌سازی، هنرمند آزادی بیشتری احساس می‌کرد و تازه آن‌هم به‌عنوان یک شکل وزین معتبر هنری پذیرفته نشده بود، تا به‌حدی که ایرج می‌توانست در هجو عارف بگوید: تو شاعر نیستی تصنیف‌سازی!

در پایان دوره‌ای که کتاب «از صبا تا نیما» درباره آن گفتگو می‌کند، حوادث بزرگی در ایران و جهان روی داد: انقلاب اکتبر در روسیه، قیامهای جنگل (در گیلان)، خیابانی (در آذربایجان)، کلنل (در خراسان)، و لاهوتی (در تبریز)، و سرانجام کودتای سوم اسفند و انقراض

سلسله قاجاریه.

پس از سپری شدن سال‌های تعطیل مشروطیت و استبداد محمد علیشاهی، و پس از گشایش مجلس سوم، بازار مطبوعات آزاد یخواه، بار دیگر گرم شد و مجالی بروز کرد که تعدادی از مجلات، بیشتر صفحات خود را به‌مباحث ادبی اختصاص دهند. در همین زمینه بود که مجلات دانشکده، ارمغان، فرهنگ، ادب، وفا، کاوه، ایرانشهر، فرهنگستان، پارس انتشار یافت. عده‌ای از این مجلات در زندگی ادبی ایران تأثیر بسزایی کردند.

همچنین در این دوره بود که نخستین رمانها یا شبه رمانها «شمس و طغرا» ی خسروی، «عشق و سلطنت» شیخ موسی، «داستان باستان یا سرگذشت کورش»، «میرزا حسن خان بدیع»، «دام گستران یا انتقام خواهان مزدک» و «داستان مانی نقاش» و «مجمع دیوانگان» صنعتی‌زاده، «تهران مخوف» مشفق کاظمی، «روزگار سیاه» خلیلی، «داستان شهرناز» دولت‌آبادی، هر چند خام و ابتدائی، در عرصه ادب ایران جایی باز کردند. با این همه، رمان‌نویسی رونق چندانی نیافت و همین چند کتاب نیز، هر چند یکسره بی‌ارزش نبودند، به‌بایگانی تاریخ سپرده شدند.

اما در رشته داستانهای کوتاه، نمونه‌های ماندگاری پدید آمد

و در زبان فارسی، نوع ادبی بی سابقه‌ای را پایه گذاشت. نخستین فارسی زبانی که داستان کوتاه نوشت و چند نمونه با ارزش از آن در مجموعه «یکی بود یکی نبود» فراهم آورد، جمانزاده بود.

نمایشنامه‌نویسی نیز - هر چند از نظر مذهبی شرکت زنان در بازی با مردان مجاز نبود و نقش زنان را در آغاز مردان ایفا می‌کردند - نوع ادبی مناسبی شد که هنر را به مردم نزدیک ساخت. مردم از نمایشنامه‌ها استقبال کردند و نخستین دسته‌های بازیگران غیر حرفه‌ای در تبریز و رشت تشکیل شد و سپس این گونه گروه‌های نمایشی، چه در این دو شهر و چه در تهران فزونی گرفت. کمدیهای موزیکال («آرشین مالالان»، «مشهدی عباد»، کمدیهای اجتماعی - انتقادی («جعفر خان از فرنگ آمده» نوشته حسن مقدم معروف به علی نوروز، «حاجی ریائی خان» و «استاد نوروز پینه‌دوز» اثر احمد محمودی ملقب به کمال - الوزاره) ترجمه یا نوشته شد و روی صحنه آمد. بعضی از این نمایشنامه‌ها مانند «استاد نوروز» صرفاً ایرانی است و هیچ آب و رنگ خارجی ندارد. در این میان درام منظوم نیز برای خود فصلی گشود و نمونه‌هایی با ارزش از آن عرضه شد از جمله ترجمه میرزا حبیب اصفهانی از «تارتوف» مولیر و

نمایشنامه کوتاهی به نام «سرگذشت پرویز» اثر علی محمد خان اویسی که با دستکاریهایی توسط تقی رفعت، سردبیر روزنامه «تجدد» و دارنده مجله ادبی «آزادستان»، به صورت تازه‌ای درآمد و «خسرو پرویز» نام گرفت.

از گویندگان این دوره کسانی چون ادیب پیشاوری و وحید دستگردی جریان تازه‌ای در شعر پدید آوردند که در کتاب «از صبا تا نیما» به «آلمان دوستی» تعبیر شده است. غنی‌زاده، شاعر با ارزش ناشناخته، با اشعار اندک خود و به ویژه با منظومه ۶۵ بیتی «هذیان»، درخشید. بهار و اسپین زبان‌های سرکش شعر رسمی و سنتی شد. عارف، شاعر صمیمی، بیشتر به تصنیف‌سازی پرداخت. اشعار ایرج درسهل و منتجع گویی همان قدر سعدی را به یاد می‌آورد که نثر قائم مقام. عشقی، شاعر نوآور و سنت‌شکن، هنوز جوانه شعرش نشکفته، دستخوش قهر و کین شد و از پا درآمد. و لاهوتی بیش از آن در بند رسالت اجتماعی بود که بر سر زیبایی بیان هنری درنگ کند.

بالجمله کفه گروه محافظه‌کار و سنت‌گرا سنگین بود، و مدعیان تجدید در این گروه، کاری جز «پس و پیش کردن قوافی و تصرف در اوزان و هنر‌نمایی در ترکیب کلام» نداشتند.

در چنین شرایطی پیکار کهنه و نو جبری بود و در گرفت...



این بود چکیده مطالب «از صبا تا نیما» درباره جریانهای مهم ادبی دورانی که می‌توان گفت سراسر روزگار سلطنت قاجار پاره در بر می‌گیرد و مؤلف آن را به چهار دوره (بازگشت، بیداری، آزادی، تجدید) تقسیم کرده و به هر یک فصلی تخصیص داده است.

مؤلف علاوه بر تشریح عوامل سیاسی و اجتماعی که در پیشامدها و ایجاد آثار ادبی، مؤثر افتاده، کوشیده است تا نمایندگان برجسته نظم و نثر را معرفی کند و مقام و منزلت آنان را در تاریخ ادبیات ایران مشخص سازد و به شیوه انتقادی ارزش کارهای آنان را بسنجد. وی برای مزید فایده، نمونه‌هایی از نوشته‌ها و سروده‌های آنان را نیز آورده و برای هر گوینده و نویسنده و هر موضوع مهم کتابنامه‌ای به دست داده است.

بدین سان بررسی تاریخی، نقد ادبی، معرفی آثار برجسته، زندگینامه گویندگان و نویسندگان و منتخبات آثار آنان، و سرانجام کتابشناسی ادبی در این تألیف هزار صفحه‌ای جمع است و از اینها گذشته فهرست راهنمایی برای کتاب‌تنظیم شده است که مراجعه محققان را آسان می‌سازد.